

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مائوتسه دون پنج اثر فلسفی  
بازتاب و ارسال از: احمد پوپل  
۰۱ اگست ۲۰۱۸

در باره تضاد قسمت دوم

## ۲ - عام بودن تضاد

۲

من به خاطر سهولت در تشریح مطلب ابتداء عام بودن تضاد و سپس خاص بودن تضاد را مورد بررسی قرار می‌دهم. زیرا پس از آنکه بنیانگذاران و ادامه دهندگان کبیر مارکسیسم – مارکس، انگلس، لنین و ستالین – جهان بینی دیالکتیک ماتریالیستی را کشف کردند و دیالکتیک ماتریالیستی را با موفقیت عظیمی در تحلیل بسیاری از جنبه‌های تاریخ بشر و تاریخ طبیعت و همچنین در مورد دگرگونی بسیاری از جنبه‌های جامعه و طبیعت (مثلاً در اتحاد شوروی) به کار بستند، عام بودن تضاد مورد قبول عده زیادی قرار گرفت و بدین جهت ما فقط به توضیح مختصری در این باره بسنده می‌کنیم؛ حال آنکه به عکس، خاص بودن تضاد را هنوز بسیاری از رفقای ما و به خصوص دگماتیک‌ها به روشنی درک نمی‌کنند. آنها در نمی‌یابند که عام بودن تضاد درست در خاص بودن تضاد نهفته است و همچنین متوجه نیستند که مطالعه خاص بودن تضاد ذاتی اشیاء و پدیده‌های مشخص زمان ما دارای چه اهمیت عظیمی در هدایت جریان پراتیک انقلابی می‌باشد.

بنابراین باید مطالعه خاص بودن تضاد را تأکید کنیم و این مسأله را به طور جامع توضیح دهیم. به این جهت ما تحلیل قانون تضاد ذاتی اشیاء و پدیده‌ها را با تحلیل مسأله عام بودن تضاد آغاز می‌کنیم و سپس مسأله خاص بودن تضاد را با دقت و تأکید بیشتری مورد تحلیل قرار می‌دهیم و در آخر باز به مسأله عام بودن تضاد باز می‌گردیم.

عام بودن یا مطلق بودن تضاد معنای دوگانه دارد: اول اینکه، تضاد در پروسه تکامل کلیه اشیاء و پدیده‌ها موجود است؛ دوم اینکه، حرکت اضداد از ابتداء تا انتهای پروسه تکامل هر شیء و پدیده دیده می‌شود.

انگلس می‌گوید: «حرکت خودش تضاد است.» (۱) لنین قانون وحدت اضداد را این طور تعریف می‌کند: «تصدیق (کشف) گرایش‌های متضاد، دافع یکدیگر، متقابل در کلیه پدیده‌ها و پروسه‌های طبیعت (منجمله روح و

– انگلس: «آنتی دورینگ» فصل اول، بخش ۱۲: «دیالکتیک، کمیت و کیفیت» .<sup>۱</sup>

جامعه)»<sup>(۲)</sup>. آیا این ترها صحیح اند؟ بله صحیح اند. وابستگی متقابل و مبارزه اضداد ذاتی هر شیء یا پدیده، حیات کلیه اشیاء و پدیده ها را تعیین می کند و تکامل آنها را به پیش می راند. هیچ شیئی نی یا پدیده ای نیست که در درون خود تضادی نهفته نداشته باشد؛ بدون تضاد عالمی موجود نبود.

تضاد اساس اشکال بسیط حرکت (مانند حرکت مکانیکی) و به طریق اولی اساس اشکال مرکب حرکت است.

انگلس عام بودن تضاد را چنین شرح می دهد:

وقتی که حرکت انتقالی مکانیکی ساده تضادی در درون داشته باشد، این حقیقت به طریق اولی درباره اشکال عالی تر حرکت ماده و علی الخصوص حیات آلی و تکاملش صادق است... زندگی درست قبل از هر چیز عبارت از آن است که یک موجود در هر لحظه خود و چیز دیگری است. بنابر این زندگی نیز تضادی است موجود در خود اشیاء و پروسه ها که دائماً به وجود می آید و حل می شود، به محض اینکه این تضاد قطع شود، زندگی نیز پایان می یابد و مرگ ظاهر می گردد. به همین ترتیب دیدیم که در حیطة تفکر نیز نمی توانیم از تضاد بگریزیم و فی المثل تضاد بین استعداد معرفت جوی درونی و بی حد انسانی و وجود حقیقی آن در انسان هائی که از نظر خارجی محدود و دارای معرفت محدودند، طی نسل های متوالی بی پایان - حداقل عملاً برای ما -، طی پیشرفت بی نهایت حل می شود.

... یکی از اصول اساسی ریاضیات عالی تضاد است ...

ولی حتی ریاضیات ابتدائی نیز مملو از تضاد است. (۳)

لنین عام بودن تضاد را چنین توصیف می کند:

در ریاضیات: + و -؛ مشتق و تابع اولیه.

در مکانیک: عمل و عکس العمل.

در فیزیک: برق مثبت و منفی.

در کیمیا: ترکیب و تجزیه اتمها.

در علم الاجتماع: مبارزه طبقاتی. (۴)

در جنگ، تعرض و تدافع، پیشروی و عقب نشینی، پیروزی و شکست - اینها همه پدیده های متضادند. یک جهت بدون جهت دیگر نمی تواند وجود داشته باشد. مبارزه دو جهت و رابطه متقابل آنها مجموعه واحد جنگ را می سازد، تکامل جنگ را به پیش می راند و مسأله جنگ را حل می کند.

هرگونه تفاوتی در مفاهیم انسان باید به مثابه انعکاس تضادهای عینی تلقی شود. انعکاس تضادهای عینی در تفکر ذهنی حرکت متضاد مفاهیم را می سازد؛ این حرکت، تکامل تفکر انسان را به پیش می راند و مسایلی را که در تفکر انسان پیدا می شود، پیوسته حل می کند.

در درون حزب مقابله و مبارزه بین نظرات مختلف دائماً در جریان است؛ این در درون حزب انعکاسی است از تضاد بین طبقات در جامعه و تضاد بین نو و کهنه. چنانچه در حزب تضاد و مبارزه ایدئولوژیک برای حل آن وجود نداشته باشد، زندگی حزب پایان می یابد.

- لنین: «درباره مسأله دیالکتیک»<sup>2</sup>.

- انگلس: «انتی دورینگ» فصل اول، بخش ۱۲: «دیالکتیک، کمیت و کیفیت»<sup>3</sup>.

- لنین: «درباره مسأله دیالکتیک»<sup>4</sup>.

بدین سان معلوم شد که در همه جا و در کلیه پروسه ها - چه در اشکال بسیط یا مرکب حرکت و چه در پدیده های عینی یا فکری - تضاد موجود است . ولی آیا تضاد در مراحل اولیه هر پروسه نیز یافت می شود ؟ آیا حرکت اضداد از ابتداء تا انتهای پروسه تکامل هر شیء یا پدیده دیده می شود ؟

چنانچه از مقالات فلاسفه شوروی در انتقاد از مکتب دیورین برمی آید ، این مکتب معتقد است که تضاد در آغاز هر پروسه ظاهر نمی شود ، بلکه زمانی پدید می آید که آن پروسه به مرحله تکاملی معینی رسیده باشد . اگر چنین باشد ، پس ناگزیر علت تکامل پروسه را قبل از رسیدن به آن مرحله معین باید خارجی دانست نه داخلی . از اینجا مشاهده می شود که دیورین به تئوری متافیزیکی علل خارجی و مکانیسم انحراف یافته است .

مکتب دیورین با تحلیل مسایل مشخص از این دیدگاه نتیجه می گیرد که در شرایط موجود اتحاد شوروی میان کولاک ها و توده دهقانی تضادی موجود نیست ، بلکه بین آنها فقط تفاوت هست ؛ از این رو ملاحظه می شود که مکتب دیورین با نظرات بوخارین (°) انطباق کامل دارد . این مکتب در تحلیل انقلاب فرانسه بر این نظر است که قبل از انقلاب در میان صنف سوم که از کارگران ، دهقانان و بورژوازی تشکیل می شد ، فقط تفاوت موجود بوده ولی به هیچ وجه تضادی دیده نمی شده است . این نظرات مکتب دیورین ضد مارکسیستی است . این مکتب درک نمی کند که در هر تفاوتی که در جهان یافت شود ، تضادی نهفته است و تفاوت همان تضاد است .

درست از همان لحظه ای که پرولتاریا و بورژوازی - این دو طبقه پدید گشتند ، با یکدیگر در تضاد قرار گرفتند ؛ منتهی این تضاد هنوز حدت نیافته بود . حتی در شرایط اجتماعی موجود اتحاد شوروی نیز میان کارگران و دهقانان تفاوت وجود دارد و این تفاوت خود تضادی است که بر خلاف تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی نمی تواند تا درجه آنتاگونیسم حدت یابد و شکل مبارزه طبقاتی به خود بگیرد ؛ کارگران و دهقانان در جریان ساختمان سوسیالیسم اتحاد مستحکمی با یکدیگر برقرار ساخته اند و تضاد میان آنان در پروسه تکامل سوسیالیسم به کمونیسم به تدریج حل خواهد شد . در اینجا صحبت بر سر گوناگونی تضادهاست نه بر سر بودن یا نبودن تضادها . تضاد عام و مطلق است و در کلیه پروسه های تکامل اشیاء و پدیده ها وجود دارد و در هر پروسه ، از ابتداء تا انتها نفوذ می کند .

پیدایش یک پروسه جدید یعنی چه ؟ یعنی اینکه یک واحد کهنه با اضداد متشکله خود برای یک واحد نو با اضداد متشکله اش جا باز می کند و بدین سان پروسه جدیدی پدید می آید که جایگزین پروسه قدیم می گردد . پروسه قدیم پایان می یابد ، پروسه جدید آغاز می شود . پروسه جدید نیز دارای تضادهای نوینی خواهد بود و تاریخ تکامل تضادهای خود را شروع می کند .

لنین خاطر نشان می سازد که مارکس این حرکت اضداد را که از ابتداء تا انتهای پروسه تکامل اشیاء و پدیده ها جریان دارد ، در «سرمایه» به وجهی نمونه وار تجزیه و تحلیل کرده است . این اسلوبی است که باید برای مطالعه پروسه های تکامل هر شیء یا پدیده به کار برده شود . خود لنین نیز این اسلوب را به طور صحیح به کار بست و در کلیه آثار خود از آن پیروی نمود .

---

- بوخارین (۱۸۸۸ - ۱۹۳۸) رهبر فراکسیون ضد لنینیستی در جنبش انقلابی روسیه ، در سال ۱۹۳۷ به اتهام خیانت<sup>۵</sup> به میهن از حزب اخراج شد و در سال ۱۹۳۸ از طرف دادگاه عالی محکوم به اعدام گردید . در اینجا رفیق مائوتسه دون یک سری از نظریات نادرست بوخارین را مورد انتقاد قرار می دهد : پنهان کردن تضادهای طبقاتی و نشان دادن همکاری طبقاتی به جای مبارزه طبقاتی . موقعی که در سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ اتحاد شوروی دست اندر کار کنوپراتیوه کردن کشاورزی بود ، بوخارین آشکارتر از هر زمان این نظرات نادرست خود را بیان نمود . بوخارین با توسل به هر وسیله ای تلاش می نمود تا تضاد های طبقاتی بین کولاک ها و دهقانان خرده پا و میانه حال را پنهان سازد و بدین خاطر بود که با مبارزه قطعی علیه کولاک ها مخالفت می ورزید و ادعا می کرد که گویا طبقه کارگر می تواند با کولاک ها متحد شود و از این طریق کولاک ها می توانند « به طور مسالمت آمیز وارد جامعه سوسیالیستی شوند » .

مارکس در «سرمایه» ابتداء ساده ترین ، عادی ترین ، اساسی ترین و عمومی ترین مناسبات جامعه بورژوائی (کالائی) را که می توان همه روزه و میلیاردها بار مشاهده کرد ، تحلیل می کند - تبادل کالا . تحلیل در این ساده ترین پدیده (در این «سلول» جامعه بورژوائی) کلیه تضادهای (و همین طور نطفه های کلیه تضادهای) جامعه مدرن را مکشوف می سازد . توضیحات بعدی تکامل (هم رشد و هم حرکت) این تضادها و این جامعه را در  $\Sigma$  (مجموع\*) یکایک اجزایش ، از ابتداء تا انتها به ما نشان می دهد .

لنین بلافاصله متذکر می شود : «این شیوه باید همچنین اسلوب توضیح (یا مطالعه) دیالکتیک به طور اعم باشد ...»<sup>(۱)</sup>

کمونیست های چین باید این اسلوب را بیاموزند ؛ آنها فقط در این صورت است که می توانند تاریخ و اوضاع کنونی انقلاب چین را به طور صحیح تحلیل کنند و آینده آن را به درستی پیش بینی نمایند .

مانوتسه دون

اگست ۱۹۳۷

در اصل کتاب به جای ( مجموع ) حرف « زیگما » از الفبای یونانی استفاده شده است  $\Sigma$ \*

---

- لنین : «درباره مسأله دیالکتیک» .<sup>6</sup>

یادداشت ها :

۶ - انگلس : «آنتی دورینگ» فصل اول ، بخش ۱۲ : « دیالکتیک ، کمیت و کیفیت » .

۷ - لنین : «درباره مسأله دیالکتیک » .

۸ - انگلس : « آنتی دورینگ » فصل اول ، بخش ۱۲ : « دیالکتیک ، کمیت و کیفیت » .

۹ - لنین : «درباره مسأله دیالکتیک» .

۱۰ - بوخارین ( ۱۸۸۸ - ۱۹۳۸ ) رهبر فراکسیون ضد لنینیستی در جنبش انقلابی روسیه ، در سال ۱۹۳۷ به اتهام خیانت به میهن از حزب اخراج شد و در سال ۱۹۳۸ از طرف دادگاه عالی محکوم به اعدام گردید . در اینجا رفیق مائوتسه دون یک سری از نظریات نادرست بوخارین را مورد انتقاد قرار می دهد : پنهان کردن تضادهای طبقاتی و نشان دادن همکاری طبقاتی به جای مبارزه طبقاتی . موقعی که در سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ اتحادشوروی دست اندر کار کنوپراتیوه کردن کشاورزی بود ، بوخارین آشکارتر از هر زمان این نظرات نادرست خود را بیان نمود . بوخارین با توسل به هر وسیله ای تلاش می نمود تا تضاد های طبقاتی بین کولاک ها و دهقانان خرده پا و میانه حال را پنهان سازد و بدین خاطر بود که با مبارزه قطعی علیه کولاک ها مخالفت می ورزید . وادعا می کرد که گویا طبقه کارگر می تواند با کولاک ها متحد شود و از این طریق کولاک ها می توانند « به طور مسالمت آمیز وارد جامعه سوسیالیستی شوند » .

۱۱ - لنین : «درباره مسأله دیالکتیک» .

مائوتسه دون ( اگست ۱۹۳۷ )

ادامه دارد...